

خبر

لطفی که خانم یا آقای کرونا به بهزاد فراهانی کرد!

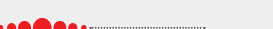


بخش فرهنگی – روزنامه اعتماد نوشت: بهزاد فراهانی، بازیگر، کارگردان و نمایشنامه‌نویس که امسال کتابی از او با عنوان «پنجاه و پنج داستان کوتاه» منتشر شد، این کتاب را حاصل خانه‌نشینی در ایام کرونایی و دستاورد یک سال گذشته می‌داند که زندگی هنری، اجتماعی، سیاسی و عاشقانه‌اش در آن نهفته است و پیش‌درآمدی بر کتاب‌های دیگریش بوده. وقتی به سراغ بهزاد فراهانی بازیگر، کارگردان و نمایشنامه‌نویس شناخته‌شده می‌رویم تا از احوال خودش و وضعیت تئاتر بیرسیم، در همان ابتدا می‌گوید، در حال حاضر تئاتری وجود ندارد که بتوان دربراهش صحبت کرد و صحبت‌هایش را چنین ادامه می‌دهد: «وقتی زندگی جریان ندارد تئاتر هم وجود ندارد.» با همه اینها بحث را با این پرسش ادامه می‌دهیم که ۱۴ دی‌ماه امسال شماری از اهالی تئاتر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع، بیانیه‌ای را قرائت و متن آن را به نمایندگان مجلس ارائه کردند که در آن مطالبات هنرمندان تئاتر از جمله معیشت خانواده تئاتر در سراسر ایران، حقوق ایام بیکاری، تسهیلات بیمه و درمان و دارو، کمک‌های بلاعوض و وام‌های کم‌بسود و… قید شده بود، آیا این بیانیه کمکی به بهبود شرایط هنرمندان تئاتر کرده است؟

فراهانی می‌گوید تغییراتی صورت گرفته و قول و قرارهایی داده شده است، اما شهرام گیل‌آبادی، مدیرعامل خانه تئاتر، در جریان جزئیات و مراوداتی که با نمایندگان مجلس انجام شده قرار دارد و اوست که می‌تواند در این باره بیشتر صحبت کند. در ادامه فراهانی درباره تأثیر کرونا بر شرایط تئاتر در سال آینده توضیح می‌دهد: اگر بخواهیم منطقی و رئالیستی نگاه کنیم، همگی باید واکنسینه شویم؛ به تماشاکر و هم بازیگر باید واکنسینه شوند تا بتوانیم در آرامش کار کنیم در غیر این صورت هر راه دیگری بی‌فایده است.

وقتی از او می‌پرسیم در همین شرایط نیز تئاترهایی اجرا شده و آیا همین اجزاهای محدود می‌تواند امیدهایی ایجاد کند، نظری مخالف دارد و می‌گوید که این‌طور فکر نمی‌کند. او در توضیح دیدگاه خود به تئاترهای آنلاینی که طی دوران شیوع کرونا اجرا شده‌اند اشاره می‌کند: تئاتر قوانین و آیین مخصوص به خود را دارد. تئاتر مثل مجسمه‌سازی، نقاشی، سینما و موسیقی نیست. تئاتر پدیده‌ای است که باید در سالن اجرا شود، مردم بنشینند و بازیگر چشم در چشم تماشاگر کار کند. این‌طور نیست که تئاتر بدون حضور تماشاگر اجرا شود، چنین چیزی اصلا معنا ندارد. بازیگر تئاتر باید روی صحنه و با حضور تماشاگر بازی کند تا بازتاب بازی‌اش را در چشم تماشاگر و در دل او ببیند وگرنه نبیند، فایده‌ای ندارد.»

فراهانی البته این نکته را اضافه می‌کند که شاید به دلیل سنش است که این نوع اجراها را تئاتر نمی‌داند و او با مضامین نو سازگار نیست، با این حال همچنان تأکید می‌کند که تئاتر را بدین شکل نمی‌پسندد. از طرفی در آذرماه امسال کتاب «پنجاه و پنج داستان کوتاه» از فراهانی منتشر شد. این کتاب شامل ۵۵ داستان کوتاه در ۲۴۸ صفحه است که از سوی خانه فرهنگ و هنر «گویا» در قطع رقیعی به چاپ رسید. او بیش از پنج دهه است که حضوری مستمر در رادیو، تئاتر، سینما و تلویزیون دارد و بخشی از این تجربه‌ها را در قالب این کتاب منتشر کرده است؛ کتابی که به گفته خودش چاپ اول آن تمام شده و چاپ دوم نیز رو به اتمام است. فراهانی درباره کتاب «پنجاه و پنج داستان کوتاه» می‌گوید: انتشار این کتاب به لطف خانم یا آقای کرونا بوده که مرا یک سال خانه‌نشین کرده است. این کتاب دستاورد یک سال گذشته من بوده و زندگی هنری، اجتماعی، سیاسی و عاشقانه‌ام در این داستان‌ها نهفته است. البته به نظر می‌رسد این کتاب شعری برای کتاب‌های دیگر فراهانی باشد چنان‌که خودش آن را پیش‌درآمد کتاب‌های دیگر قلمداد می‌کند: در حال چاپ تمامی آثارم از جمله نمایشنامه‌ها، نمایش‌های شب رادیو، فیلمنامه‌ها و قصه‌هایم هستم. کتاب «پنجاه و پنج داستان کوتاه» در واقع پیش‌درآمد چاپ کارهای دیگرم است و دستاورد این یک سال.



فروش خانه ۱۱۹ میلیون دلاری «پدر خوانده»



بخش فرهنگی – عمارت بورلی هاوس که در فیلم سینمایی «پدرخوانده» به نمایش در آمد، به ارزش ۱۱۹ میلیون دلار به فروکش گذاشته شده است.

یک عمارت در بورلی هیلز که پیشتر به ویلیام راندولف هرست روزنامه‌دار، خبرنگار و ماروین دیویس ستاره هالیوود تعلق داشت، برای فروش ۱۱۹ میلیون دلاری ارزش گذاری شد.

این خانه که با عنوان «بورلی هاوس» شناخته می‌شود، به خاطر نمایش در فیلم‌هایی مثل «پدرخوانده» و «یادگارد» محصول سال ۱۹۹۲ معروف شد. طبق گزارش‌ها، این ملک ۱۸ اتاق در حدود ۳.۵ هکتار وسعت دارد. علاوه بر این، این خانه شامل دو کتابخانه

و یک سالن نشیمن با سقف‌هایی نقاشی شده است.

از دیگر جزئیاتی که درباره این عمارت گفته شده، می‌توان به استخر خصوصی و یک اتاق مهمان اشاره کرد. این خانه اخیرا در فوریه ۲۰۲۰، به ارزش ۱۲۵ میلیون دلار برای فروش گذاشته شد؛ اما اوایل ماه دسامبر افت داشت و به ارزش ۱۱۹ میلیون دلار رسید. پیش از آن هم این عمارت از سپتامبر ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۱۹ برای فروش گذاشته شده بود. این خانه ویژگی‌های دیگری مثل یک زمین تنیس، دو سالن نمایش و تراسی با ظرفیت ۴۰۰ مهمان نیز دارد. عمارت بورلی هاوس توسط گوردون کافمن طراحی و در سال ۱۹۷۲ ساخته شد.

{فرهنگ و هنر }

کامیار عابدی مطرح کرد:

حمیدی در میان شاعران صد سال اخیر هیچ کس را قبول نداشت

بخش فرهنگی – کامیار عابدی که به تازگی در کتاب «شاعر و عاشق» به زندگی و شعر مهدی حمیدی شیرازی پرداخته است درباره نگاه این شاعر به خودش می‌گوید: حمیدی در میان شاعران ۱۰۰ سال اخیر هیچ‌کس را قبول نداشت و می‌گفت من خدای شاعران و تنها شاعر مهمم کشور هستم.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، مهدی حمیدی شیرازی از چهره‌های شناخته شده و تاثیرگذار شعر معاصر است که طی سال‌های گذشته آنچنان که باید و شاید به او توجه نشده

است؛ اما خوشبختانه طی روزهای گذشته و با

تلاش‌های کامیار عابدی، کتاب کاملی درباره شعر و زندگی حمیدی به نام «شاعر و عاشق» منتشر شده است که به همین بهانه با کامیار عابدی هم‌کلام شدیم و درباره مهدی حمیدی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

♦ **در چند سال گذشته فقدان کتابی جامع و کامل درباره شعر و زندگی مهدی حمیدی به شدت احساس می‌شد که خوشبختانه با تلاش‌های شما این اثر به رشته تحریر درآمد. مخاطب در نگاه اول با کتاب حجیمی روبه‌رو می‌شود که در فصل‌های متعدد به دوره‌های مختلف زندگی و شعر مهدی حمیدی شیرازی پرداختید. کمی درباره کتاب و فصل‌هایش توضیح دهید.**

این کتاب پنج قسمت دارد؛ یک قسمت کاملا به زندگی مهدی حمیدی شیرازی می‌پردازد؛ یک قسمت مفصل هم داریم که درباره شعر حمیدی است که شعر او را از نظر محتوا و نوع ژانرهایی که استفاده کرده، تقسیم‌بندی کرده‌ام و همه آنها را تا حد توان شناساندم. بعد از این‌ها یک فصل مفصل دیگر داریم درباره مناسقه‌هایی که حمیدی در طول زندگی ادبی خود با شاعران نوگرا و گاهی با ادیبان و شاعران سنت‌گرا داشته است. این مطالب را از مجلات، روزنامه‌ها و کتاب‌های مختلف ردیابی و گزارش منصفانه‌ای از این‌ها منتشر کردم. در بخش چهارم نظرات حمیدی نسبت به شعر جدید و قدیم آمده است و نشان دادم که حمیدی شعر سنتی را تا قرن ششم خیلی خوب خوانده بود و قبول داشت. به سعیدی توجه داشت ولی به شاعران قرن‌های بعدی (یعنی از حافظ تا دوره بازگشت ادبی) اعتقادی نداشت. در بخش آخر کتاب، نظرات حدود ۲۰ نفر از افرادی که موافق یا مخالف او بودند نیز آمده که در ادامه اگر شما سوالی داشتید، درباره آن صحبت خواهیم کرد.

♦ **ما بعد از مشروطه شاعر تاثیرگذار کم نداشتیم؛ چه شد که تصمیم گرفتید به سراغ مهدی حمیدی بروید و این کار پژوهشی سنگین را انجام دهید؟**

من سال‌ها به حمیدی و آثارش علاقه‌مند بود. به‌خاطر دارم از دوره‌ای که نوجوان بودم در کتابخانه پدرم (که خیلی به شعر علاقه داشت) شعرهای حمیدی را می‌خواندم و همیشه منتظر بودم که یک نفر پژوهش کامل و جامعی درباره شعر حمیدی انجام دهد. مخصوصا انتظار داشتم که دانشگاه‌ها به شعر حمیدی توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ اما نشد. می‌دیدم که پایان‌نامه‌هایی درباره شعر حمیدی در دانشگاه‌های مختلف در ۲۰ سال اخیر نوشته شده؛ اما هیچ وقت این پژوهش‌ها انتشار پیدا نمی‌کرد. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که امروز منابعی که درباره حمیدی می‌شناسم در حدی است که بتوانم یک کتاب درباره او بنویسم؛ بنابراین شروع کردم و حدود یک سال تالیف این کتاب طول کشید. البته باید بگویم که منابع را از قبل دیده و گردآوری کرده بودم و تنها تالیف آنها طول کشید. به هر حال فکر می‌کنم که تاریخ‌نگاری و نقد ادبی معاصر ما با توجه به نفوذ و شهرت حمیدی در دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ یک کتاب به او به‌دکالر بود و باید این کار انجام می‌شد.

♦ **امروز آنچنان که باید شاید نامی از حمیدی نیست؛ دلیل این بی‌توجهی به او چیست؟**

دلیل خاصی ندارد. ذوق و سلیقه در هر دوره‌ای تغییر می‌کند؛ مثلا شعرهای حمیدی در دهه ۲۰ و ۳۰ در اوج شهرت است؛ مخصوصا کتاب «اشک مشقوق» او بارها تجدید چاپ می‌شود و گزیده‌هایی نیز از آن بیرون می‌آید. در آن دوره مخاطبان ادبیات شعرهای روانمیکار از خیلی می‌پسندیدند، از این رو توجه به آن زیاد بود. به خاطر دارم، سال‌ها پیش در گفتگویی که با رضا سیدحسینی (مترجم) داشتم، وی می‌گفت وقتی که نوجوان بوده است، لحظه به لحظه منتظر بوده تا یک شعری از حمیدی شیرازی منتشر شود. باید شرح عشق‌ها و شیفتگی‌ها و دلدادگی‌ها را بدانیم تا بدانیم که او کیست و چرا آنقدر در دهه ۲۰ مطرح بوده است. به هر حال این موضوع را نیز نمی‌توان کتمان کرد که به تدریج وقتی ذوق و سلیقه ادبی تغییر می‌کند، برخی شاعران نیز به حاشیه می‌روند. این شامل همه نمی‌شود اما در هر دوره‌ای برخی شاعران هستند که مورد توجه می‌گیرند و در دوره بعد که جریان‌های جدید می‌آید به حاشیه می‌روند. در حال حاضر حمیدی با شعرهایی مثل «در امواج سند» و «قو» مطرح است و به نظرم هنوز هم شهرت دارد؛ اما نه به اندازه قبل.

♦ **مهم‌ترین ویژگی شعری حمیدی را چه می‌دانید؟**

فعالیت‌های شعر حمیدی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. در دوره اول که تا حدود دهه ۱۳۳۰ است (یعنی از ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰) بیشتر یک جور رمانتیسیم فرانسوی را وارد شعر سنتی می‌کند و در این دوره در اوج شهرت قرار دارد؛ در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ به طرف سنت گرایش بیشتری پیدا می‌کند و از رمانتیسیم شعر او کاسته می‌شود و بیشتر شعرهای مرثیه، اخوانیه، دوستانه و شعرهای داستانی می‌سراید. شعرهای «موسی»، «بت‌شکن بابل» و «در امواج سند» مربوط به این دوره است که او بیشتر به سمت شعرهای داستانی می‌رود و این گونه شعرهایش قوی‌تر است.

♦ **در آن دوران بحث جریان‌های ادبی بسیار داغ بود؛ رابطه حمیدی با جریان‌ها و نحله‌های شعری چطور بود؟ شما در این کتاب به رابطه او با نحله «سخن» و خانلری پرداختید، حمیدی سنت‌گرا بود و خانلری متمایل به نوگرای؛ از طرفی حمیدی با شاعرانی که با سخن در ارتباط بودند، مثل نادرپور ارتباط خوبی نداشت. چرا در این کتاب به رابطه او و سخن پرداختید؟**

دکتر حمیدی شاعری بود که بیشتر نوست‌گرا بود؛ نوست‌گرا به معنی نئوکلاسیک، بنابراین یک فصل مشترکی هم با سنت‌گرایان داشت و هم با نوگرایان اعتدالی مثل مجله «سخن». البته با هر دو جریان نیز جدال‌هایی داشت. من در دو سه فصل این کتاب به ارتباط حمیدی با نوگرایان، سنت‌گرایان اعتدالی صحبت کردم و نشان دادم که حمیدی در قاف هیچ‌کدام از این‌ها نمی‌گنجید. بنابراین در کنار اینکه با همه این‌ها وجوه اشتراکی داشت، اختلافی هم داشت. مثلا در مجله «سخن» چهارپاره، غزل‌ها، نسیب‌نو، شعرها و قطعه‌هایی که کمی مدرف بودند چاپ می‌شد؛ تقریبا انتظار می‌رفت که بخشی از شعرهای حمیدی نیز در آن منعکس شود؛ اما به دو دلیل ارتباطی میان حمیدی و مکتب یا مجله «سخن» برقرار نشد؛ با اینکه خود حمیدی می‌گفت، شعر «عقاب» خانلری، یکی از بهترین شعرهای دوره معاصر است. حمیدی با شاعران نحله سخن ارتباط خوبی نداشت؛ چراکه فکر می‌کرد، مکتب سخن دارد در نوگرایی افراط می‌کند و شعرشان شبیه ترجمه‌ای از اشعار فرانسوی است. مکتب سخن نیز از آن طرف فکر می‌کرد که نوگرایی حمیدی به قدر کافی نیست.

♦ **واقعیت هم همین بود؛ او واقعا به اندازه خانلری و اطرافیان‌ش نوگرا نبود؟**

شاید این طور باشد؛ اما حمیدی مقدار زیادی چهارپاره دارد که آن چهارپاره‌ها می‌توانست در «سخن» منتشر شود.

♦ **چرا منعکس نشد؟**

مجله «سخن» تلاش می‌کرد از بحث و جدال جلوگیری کند؛ اما حمیدی شخصی بود که خیلی ستیهنده بود و وقتی که شعری چاپ می‌کرد، همیشه به منتقدانش در همان شعر یا حاشیه‌هایش حمله می‌کرد. به نظر می‌رسد که دکتر خانلری زیاد علاقه‌مند نبود که با دکتر حمیدی ارتباط داشته باشد.

♦ **او در اکثر نامه‌هایی که به خانلری می‌نویسد نادرپور را مسخره می‌کند. مشکل او با نادرپور چه بود؟**

مجله «سخن» در دهه ۲۰ و ۳۰ خیلی در اوج بود و چاپ شدن شعر در آن خیلی اهمیت داشت. در این دوره نادرپور در اوج شهرت بود. طبعاً حمیدی نمی‌توانست با کسی مثل نادرپور ارتباط بگیرد؛ البته نادرپور و دوستانش علاقه‌مند بودند که با حمیدی ارتباط داشته باشند؛ اما او تمایل نداشت. نادرپور در مطلبی که درباره شعر حمیدی می‌نویسد، ضمن احترام به حمیدی می‌آورد

{فرهنگ و هنر }

کامیار عابدی مطرح کرد:

حمیدی در میان شاعران صد سال اخیر هیچ کس را قبول نداشت

بخش فرهنگی – کامیار عابدی، که به تازگی در کتاب «شاعر و عاشق» به زندگی و شعر مهدی حمیدی شیرازی پرداخته است درباره نگاه این شاعر به خودش می‌گوید: حمیدی در میان شاعران ۱۰۰ سال اخیر هیچ‌کس را قبول نداشت و می‌گفت من خدای شاعران و تنها شاعر مهمم کشور هستم.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، مهدی حمیدی شیرازی از چهره‌های شناخته شده و تاثیرگذار شعر معاصر است که طی سال‌های گذشته آنچنان که باید و شاید به او توجه نشده



این کتاب پنج قسمت دارد؛ یک قسمت کاملا به زندگی مهدی حمیدی شیرازی می‌پردازد؛ یک قسمت مفصل هم داریم که درباره شعر حمیدی است که شعر او را از نظر محتوا و نوع ژانرهایی که استفاده کرده، تقسیم‌بندی کرده‌ام و همه آنها را تا حد توان شناساندم. بعد از این‌ها یک فصل مفصل دیگر داریم درباره مناسقه‌هایی که حمیدی در طول زندگی ادبی خود با شاعران نوگرا و گاهی با ادیبان و شاعران سنت‌گرا داشته است. این مطالب را از مجلات، روزنامه‌ها و کتاب‌های مختلف ردیابی و گزارش منصفانه‌ای از این‌ها منتشر کردم. در بخش چهارم نظرات حمیدی نسبت به شعر جدید و قدیم آمده است و نشان دادم که حمیدی شعر سنتی را تا قرن ششم خیلی خوب خوانده بود و قبول داشت. به سعیدی توجه داشت ولی به شاعران قرن‌های بعدی (یعنی از حافظ تا دوره بازگشت ادبی) اعتقادی نداشت. در بخش آخر کتاب، نظرات حدود ۲۰ نفر از افرادی که موافق یا مخالف او بودند نیز آمده که در ادامه اگر شما سوالی داشتید، درباره آن صحبت خواهیم کرد.

♦ **ما بعد از مشروطه شاعر تاثیرگذار کم نداشتیم؛ چه شد که تصمیم گرفتید به سراغ مهدی حمیدی بروید و این کار پژوهشی سنگین را انجام دهید؟**

من سال‌ها به حمیدی و آثارش علاقه‌مند بود. به‌خاطر دارم از دوره‌ای که نوجوان بودم در کتابخانه پدرم (که خیلی به شعر علاقه داشت) شعرهای حمیدی را می‌خواندم و همیشه منتظر بودم که یک نفر پژوهش کامل و جامعی درباره شعر حمیدی انجام دهد. مخصوصا انتظار داشتم که دانشگاه‌ها به شعر حمیدی توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ اما نشد. می‌دیدم که پایان‌نامه‌هایی درباره شعر حمیدی در دانشگاه‌های مختلف در ۲۰ سال اخیر نوشته شده؛ اما هیچ وقت این پژوهش‌ها انتشار پیدا نمی‌کرد. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که امروز منابعی که درباره حمیدی می‌شناسم در حدی است که بتوانم یک کتاب درباره او بنویسم؛ بنابراین شروع کردم و حدود یک سال تالیف این کتاب طول کشید. البته باید بگویم که منابع را از قبل دیده و گردآوری کرده بودم و تنها تالیف آنها طول کشید. به هر حال فکر می‌کنم که تاریخ‌نگاری و نقد ادبی معاصر ما با توجه به نفوذ و شهرت حمیدی در دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ یک کتاب به او به‌دکالر بود و باید این کار انجام می‌شد.

♦ **امروز آنچنان که باید شاید نامی از حمیدی نیست؛ دلیل این بی‌توجهی به او چیست؟**

دلیل خاصی ندارد. ذوق و سلیقه در هر دوره‌ای تغییر می‌کند؛ مثلا شعرهای حمیدی در دهه ۲۰ و ۳۰ در اوج شهرت است؛ مخصوصا کتاب «اشک مشقوق» او بارها تجدید چاپ می‌شود و گزیده‌هایی نیز از آن بیرون می‌آید. در آن دوره مخاطبان ادبیات شعرهای روانمیکار از خیلی می‌پسندیدند، از این رو توجه به آن زیاد بود. به خاطر دارم، سال‌ها پیش در گفتگویی که با رضا سیدحسینی (مترجم) داشتم، وی می‌گفت وقتی که نوجوان بوده است، لحظه به لحظه منتظر بوده تا یک شعری از حمیدی شیرازی منتشر شود. باید شرح عشق‌ها و شیفتگی‌ها و دلدادگی‌ها را بدانیم تا بدانیم که او کیست و چرا آنقدر در دهه ۲۰ مطرح بوده است. به هر حال این موضوع را نیز نمی‌توان کتمان کرد که به تدریج وقتی ذوق و سلیقه ادبی تغییر می‌کند، برخی شاعران نیز به حاشیه می‌روند. این شامل همه نمی‌شود اما در هر دوره‌ای برخی شاعران هستند که مورد توجه می‌گیرند و در دوره بعد که جریان‌های جدید می‌آید به حاشیه می‌روند. در حال حاضر حمیدی با شعرهایی مثل «در امواج سند» و «قو» مطرح است و به نظرم هنوز هم شهرت دارد؛ اما نه به اندازه قبل.

♦ **مهم‌ترین ویژگی شعری حمیدی را چه می‌دانید؟**

فعالیت‌های شعر حمیدی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. در دوره اول که تا حدود دهه ۱۳۳۰ است (یعنی از ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰) بیشتر یک جور رمانتیسیم فرانسوی را وارد شعر سنتی می‌کند و در این دوره در اوج شهرت قرار دارد؛ در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ به طرف سنت گرایش بیشتری پیدا می‌کند و از رمانتیسیم شعر او کاسته می‌شود و بیشتر شعرهای مرثیه، اخوانیه، دوستانه و شعرهای داستانی می‌سراید. شعرهای «موسی»، «بت‌شکن بابل» و «در امواج سند» مربوط به این دوره است که او بیشتر به سمت شعرهای داستانی می‌رود و این گونه شعرهایش قوی‌تر است.

♦ **در آن دوران بحث جریان‌های ادبی بسیار داغ بود؛ رابطه حمیدی با جریان‌ها و نحله‌های شعری چطور بود؟ شما در این کتاب به رابطه او با نحله «سخن» و خانلری پرداختید، حمیدی سنت‌گرا بود و خانلری متمایل به نوگرای؛ از طرفی حمیدی با شاعرانی که با سخن در ارتباط بودند، مثل نادرپور ارتباط خوبی نداشت. چرا در این کتاب به رابطه او و سخن پرداختید؟**

دکتر حمیدی شاعری بود که بیشتر نوست‌گرا بود؛ نوست‌گرا به معنی نئوکلاسیک، بنابراین یک فصل مشترکی هم با سنت‌گرایان داشت و هم با نوگرایان اعتدالی مثل مجله «سخن». البته با هر دو جریان نیز جدال‌هایی داشت. من در دو سه فصل این کتاب به ارتباط حمیدی با نوگرایان، سنت‌گرایان اعتدالی صحبت کردم و نشان دادم که حمیدی در قاف هیچ‌کدام از این‌ها نمی‌گنجید. بنابراین در کنار اینکه با همه این‌ها وجوه اشتراکی داشت، اختلافی هم داشت. مثلا در مجله «سخن» چهارپاره، غزل‌ها، نسیب‌نو، شعرها و قطعه‌هایی که کمی مدرف بودند چاپ می‌شد؛ تقریبا انتظار می‌رفت که بخشی از شعرهای حمیدی نیز در آن منعکس شود؛ اما به دو دلیل ارتباطی میان حمیدی و مکتب یا مجله «سخن» برقرار نشد؛ با اینکه خود حمیدی می‌گفت، شعر «عقاب» خانلری، یکی از بهترین شعرهای دوره معاصر است. حمیدی با شاعران نحله سخن ارتباط خوبی نداشت؛ چراکه فکر می‌کرد، مکتب سخن دارد در نوگرایی افراط می‌کند و شعرشان شبیه ترجمه‌ای از اشعار فرانسوی است. مکتب سخن نیز از آن طرف فکر می‌کرد که نوگرایی حمیدی به قدر کافی نیست.

♦ **واقعیت هم همین بود؛ او واقعا به اندازه خانلری و اطرافیان‌ش نوگرا نبود؟**

شاید این طور باشد؛ اما حمیدی مقدار زیادی چهارپاره دارد که آن چهارپاره‌ها می‌توانست در «سخن» منتشر شود.

♦ **چرا منعکس نشد؟**

مجله «سخن» تلاش می‌کرد از بحث و جدال جلوگیری کند؛ اما حمیدی شخصی بود که خیلی ستیهنده بود و وقتی که شعری چاپ می‌کرد، همیشه به منتقدانش در همان شعر یا حاشیه‌هایش حمله می‌کرد. به نظر می‌رسد که دکتر خانلری زیاد علاقه‌مند نبود که با دکتر حمیدی ارتباط داشته باشد.

♦ **او در اکثر نامه‌هایی که به خانلری می‌نویسد نادرپور را مسخره می‌کند. مشکل او با نادرپور چه بود؟**

مجله «سخن» در دهه ۲۰ و ۳۰ خیلی در اوج بود و چاپ شدن شعر در آن خیلی اهمیت داشت. در این دوره نادرپور در اوج شهرت بود. طبعاً حمیدی نمی‌توانست با کسی مثل نادرپور ارتباط بگیرد؛ البته البته نادرپور و دوستانش علاقه‌مند بودند که با حمیدی ارتباط داشته باشند؛ اما او تمایل نداشت. نادرپور در مطلبی که درباره شعر حمیدی می‌نویسد، ضمن احترام به حمیدی می‌آورد

♦ **واقعیت هم همین بود؛ او واقعا به اندازه خانلری و اطرافیان‌ش نوگرا نبود؟**

شاید این طور باشد؛ اما حمیدی مقدار زیادی چهارپاره دارد که آن چهارپاره‌ها می‌توانست در «سخن» منتشر شود.

♦ **چرا منعکس نشد؟**

مجله «سخن» تلاش می‌کرد از بحث و جدال جلوگیری کند؛ اما حمیدی شخصی بود که خیلی ستیهنده بود و وقتی که شعری چاپ می‌کرد، همیشه به منتقدانش در همان شعر یا حاشیه‌هایش حمله می‌کرد. به نظر می‌رسد که دکتر خانلری زیاد علاقه‌مند نبود که با دکتر حمیدی ارتباط داشته باشد.

♦ **او در اکثر نامه‌هایی که به خانلری می‌نویسد نادرپور را مسخره می‌کند. مشکل او با نادرپور چه بود؟**

پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۹

خبر

تکذیب پس از تایید اولیه

اکبر عبدی کرونا دارد یا نه؟

بخش فرهنگی – المیرا عبدی، خبر ابتلا پدرش به کرونا را تکذیب کرد. این اظهار نظر در حالی است که پیش از این، چند رسانه به نقل از او، خبر از بستری شدن این بازیگر پیشکسوت در بیمارستان به دلیل ابتلا به ویروس کووید ۱۹ داده بودند.

خبری در رسانه‌ها مبنی بر ابتلای اکبر عبدی به کرونا و بستری شدنش در بیمارستان منتشر شد. منبع اولیه خبر، صحبت‌های امیر نوری، بازیگر سینما و تلویزیون در این‌باره بود که در ادامه با سخنان المیرا عبدی مبنی بر بستری شدن پدرش، تایید شد.

با این‌حال، یک ساعت پیش، المیرا عبدی، به میزان گفت: «پدرم کرونا ندارد. وی به دلیل کسالت کلبوی در بیمارستان بستری شده بود که به لطف خدا برطرف شد

و اکنون از بیمارستان مرخص شده است.»

وی در همین رابطه تأکید کرد: «خبر ابتلای پدرم به کرونا را تکذیب می‌کنم.»

.....

مجوزهای تازه‌ای که دفتر موسیقی صادر کرده است

بخش فرهنگی – دفتر موسیقی، مجوز انتشار ۱۹ آلبوم را صادر کرد که از آن میان می‌توان به «حماسه عشق» با صدای فاروق کسمایی و «در بهاران» با خوانندگی امیر اثنی‌عشری اشاره کرد.

دفتر موسیقی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در هفته پایانی بهمن و هفته اول اسفند، مجوز ۲۷۶ تک‌آهنگ و ۱۹ آلبوم را صادر کرده است.

آلبوم‌های «حماسه عشق» به آهنگسازی محمد فرمانیان با صدای فاروق کسمایی، آلبوم «در بهاران» با صدای امیر اثنی‌عشری که بازخوانی تعدادی از آهنگ‌های قدیمی است، «درخوت روشن» به آهنگسازی عباس وحیدی‌فر و «به رنگ نوا» به آهنگسازی رادمان توکلی از جمله آثاری هستند که در هفته پایانی بهمن و هفته اول اسفندماه مجوز انتشار گرفته‌اند.

همچنین «دریا» به خوانندگی حسین علیشاپور و آهنگسازی علی مومیوند از جمله تک‌آهنگ‌های مجوزگرفته در این بازه زمانی است.

برای این آثار فقط مجوز انتشار صادرشده و زمان انتشار آن در اختیار مالک اثر است.

.....

فیلمنامه نوشته آنتونیونی، ۱۳ سال پس از مرگ او ساخته خواهد شد

بخش فرهنگی – فیلمنامه‌ای که میکِل آنجلو آنتونیونی در دهه ۷۰ میلادی موفق به ساخت آن نشد، پس از چندین سال در ایتالیا و برزیل مقابل دوربین خواهد رفت. این کارگردان سرشناس، سال ۲۰۰۷ در سن ۹۵ سالگی درگذشت.

به گزارش وریایتی، آنتونیونی، کارگردان بزرگ سینمای ایتالیا، فیلمنامه‌ای با عنوان «TECHNICALLY SWEET» در اوج دوران حرفه‌ای خود نوشته و قرار بود این فیلمنامه را در بین فیلم‌های «قطعه زاپرسی» (۱۹۷۰) و «مسافر» (۱۹۷۵) به سینما بیاورد اما در نهایت در سال ۱۹۸۰ از ساخت این فیلم منصرف شد و آن را به اندری سبیری کرد. فیلمنامه به عنوان دستیار کارگردان با آنتونیونی همکاری می‌کرد.

ریستوم، عمر کوتاهی داشت و نتوانست این فیلمنامه را بسازد و حالا قرار است پس از گذشت چند دهه فرزندش، آندری ریستوم که ساخت فیلم‌هایی چون «کوشورم» و «دوس دیگر بهشت» را در کارنامه دارد، این فیلمنامه را به پرده نقره‌ای برساند.

آنتونیونی و دستیارش بیگریس ریستوم

انریکا آنتونیونی، همسر میکِل آنجلو آنتونیونی نیز قرار است به عنوان یکی از تهیه‌کنندگان با این پروژه همکاری کند. داستان این فیلمنامه درباره روزنامه‌نگاری است که در حال سبوری کرد. فیلمنامه به صورت ناگهانی دچار یک بحران هستی‌گرایی می‌شود و در نهایت سفری ماجراجویانه را در دل جنگل‌های آمازون آغاز می‌کند و ...

از آنتونیونی، در باره ساخت فیلمنامه به جای مانده نیز همسرش گفت: «رها کردن ساخت یک فیلم برای او بسیار دردناک بود. در آن زمان ایده فیلم بسیار پیشگامانه بود و او نمی‌توانست از لحاظ فنی ایده خود را پیاده کند». این فیلم قرار است طبق ایده خود آنتونیونی، در جزیره ساردینیای ایتالیا و جنگل‌های آمازون در برزیل مقابل دوربین برود و بر اساس اعلام تهیه‌کنندگان، این فیلمبرداری آن در سال ۲۰۲۳ آغاز خواهد شد. میکِل آنجلو آنتونیونی، فعالیت سینمایی خود را از ابتدای دهه ۱۹۴۰ میلادی آغاز کرد و پس از ساخت چند فیلم کوتاه و بلند، اولین موفقیت بین‌المللی خود را در سال ۱۹۶۰ با فیلم «ماجرا» کرد. رقم زد که در جشنواره کن با استقبال همراه شد و سپس موفقیت‌های جهانی‌اش را با «شب» (۱۹۶۱) و «کسوف» (۱۹۶۲) ادامه داد. این سه فیلم با توجه به شباهت در سبک و موضوع که هر سه به نگرانی‌های بشر امروز پرداخته‌اند، عموماً به سه‌گانه‌های آنتونیونی معرفی هستند.

اولین فیلم رنگی بنیان‌گذار سینمای مدرن ایتالیا در سال ۱۹۶۴ با نام «صحاری سرخ» ساخته شد که این فیلم نیز به گونه‌ای ادامه این سه‌گانه محسوب می‌شود. آنتونیونی یک سال بعد از ساخت «صحاری سرخ»، اولین فیلم انگلیسی زبان خود را با عنوان «آگراندیسمان» ساخت که موفقیت زیادی کسب کرد.

«راز اوربوالد» (۱۹۸۰)، «فراسوی ابرها» (۱۹۹۵) و«اورس» (۲۰۰۴) از جمله دیگر فیلم‌های این سینماگر مهم سینمای ایتالیا و جهان است. «آنتونیونی» در طول بیش از نیم قرن فعالیت سینمایی، جوایز متعددی چون جایزه افتخاری آکادمی اسکار، جایزه طلای جشنواره کن برای «آگراندیسمان»، جایزه خرس طلای جشنواره برلین برای فیلم «شب»، دو جایزه ویژه هیات داوران کن برای «کسوف» و «ماجرا» و جایزه یوزنلنگ طلای جشنواره فیلم لوکارنو برای «گریه» دریافت کرد.